

گزیدهٔ شعرهای

جورج سِفریس

ترجمهٔ

عبدالله کوثری

www.ketab.ir



انتشارات مروارید

سرناسه:	سفریس، جورجی، ۱۹۰۰-۱۹۷۱ م.
عنوان و نام پدیدآور:	Sefiris, George گزیده شعرهای جورج سفریس / [گردآورنده] و مترجم عبدالله کوثری.
مشخصات نشر:	تهران: مروارید، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری:	۱۷۷ ص.
شابک:	۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۱۱۴-۲
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیا
موضوع:	شعر فارسی - قرن ۱۴ - ترجمه‌شده از یونانی
موضوع:	شعر یونانی جدید - قرن ۲۰ م. - ترجمه‌شده به فارسی
شناسه افزودن:	کوثری، عبدالله، ۱۳۲۵ - ، گردآورنده، مترجم.
رده‌بندی کنگره:	۱۳۸۹ ۷۲۱۷ ص / ۸۵۶۱۰ PA
رده‌بندی دیوئی:	۸۸۹ / ۱۳۴
شماره کتابخانه ملی:	۲۰۶۴۹۱۶



انشارات مروارید

انتشارات مروارید: تهران، خیابان انقلاب، رویه روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸
تلفن: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۲۰۴۶ - ۶۶۴۸۲۰۲۷ - ۶۶۴۸۲۶۱۲ / ص ب. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۴۵
morvarid_pub@yahoo.com
www.iketab.com
www.fimorvarid.ir



گزیده شعرهای جورج سفریس

ترجمه عبدالله کوثری

صفحه‌آرایی: تینا حسامی

چاپ اول ۱۳۹۰

چاپخانه ژبگ

تیواژ ۱۱۰۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۱۱۴-۲ ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۱۱۴-۲

۴۹۰۰۰ ریال

فهرست

۵

۵.....	سخن مترجم
۹.....	جورج سفیرس
۳۴.....	خطابه جورج سفیرس به هنگام دریافت جایزه نوبل (۱۹۶۳)
۳۷.....	Mythistorema
۶۰.....	گیمنوپدیا
۶۳.....	موکنه
۶۶.....	هایکو
۶۹.....	به سبک جی. اس
۷۳.....	استراتیس ملاح مردی را توصیف می کند
۸۱.....	کلامی برای تابستان
۸۵.....	گورنبشت
۸۶.....	ماتیوس پاسکالیس میان سرخ گل ها
۸۸.....	خورشید خودمان
۹۰.....	بازگشت از تبعید
۹۳.....	روز آخر
۹۶.....	بهار بعد از میلاد
۹۹.....	یاسمن
۱۰۰.....	روایت
۱۰۲.....	کیفر فراموشی
۱۰۴.....	شاه آسین
۱۰۸.....	روزهای ژوئن ۱۹۴۱

۱۱۰	بعد التحریر
۱۱۲	تندیسک تقدیر
۱۱۴	برگ سیدار
۱۱۶	آنیانا ۱
۱۱۷	آنیانا ۲
۱۱۹	میان پرده شادی
۱۲۱	استراتیس ملاح میان سوسن های کبود
۱۲۴	استراتیس ملاح بر ساحل بحرالمیت
۱۲۹	خطاطی
۱۳۰	ایستگاه آخر
۱۳۶	کشتی مغروق
۱۵۰	هیلن
۱۵۵	خاطره ۱
۱۵۷	سه قاطر
۱۶۰	خاطره ۲
۱۶۲	سالامیس در قبرس
۱۶۷	انکار
۱۶۸	آب انبار
۱۷۵	انگومی

سخن مترجم

سال‌های بسیار می‌گذرد از روزی که دوست خوبم، کمال نیرومند، گزیده‌ای از شعر جورج سفریس را با ترجمه انگلیسی به من هدیه داد. در آغاز، گاه و بی‌گاه این کتاب را به دست می‌گرفتم و یکی دو شعرش را می‌خواندم. اما شعر سنگین و آکنده از تفکر و تأمل این شاعر، آن هم به زبان انگلیسی، برای من که شیفته شعر فارسی بودم و آنچه از شاعران غیرایرانی خوانده بودم اغلب ترجمه فارسی اشعار آنها بود، چندان آشنا نمی‌نمود و گیرایی نداشت. با همه اینها این را احساس می‌کردم که با شاعری توانمند و با ویژگی‌هایی از آن خود آشنا شده‌ام. در این ده پانزده سال اخیر نمی‌دانم کدام نیاز یا کدام حادثه مرا به گونه‌ای پی‌گیر به سوی شعر سفریس و دیگر شاعر بزرگ یونان، کنستانتین کلواکی کشاند. شاید می‌خواستم آنچه را در شعر این یکی دو دهه خودمان پیدا نمی‌کردم در شعر شاعران زبان‌های دیگر بیابم. و چه نیکی‌بخت بودم من که این دو شاعر درهای جهان گسترده و حیرت‌انگیز خود را بر من گشودند.

باری، از آن پس مطالعه شعر این دو شاعر، به‌خصوص سفریس، یکی از مشغله‌های من شد. در سال ۱۳۷۲ ترجمه مقاله‌ای مفصل در نقد و شناخت سفریس را همراه با قطعاتی از چند شعر او در نشریه مترجم منتشر کردم. اما هنوز قصد آن نداشتم که بنشینم و مجموعه‌ای از شعر او فراهم آرم. این، جدا از کثرت کارهای دیگر، بیشتر از آن روی بود که معتقد بودم و هستم که شعر را باید از زبان

اصلی ترجمه کرد. شعر در هر بار ترجمه از اصل و گوهر خود که همان زبان باشد، دورتر می‌شود.

این دغدغه مدت‌ها مرا از کار جدی در این باره بازمی‌داشت. اما دیگر گرفتار شعر سفریس شده بودم و وسوسه ترجمه رهايم نمی‌کرد. من که از دیرباز دلبسته تراژدی‌های یونان بودم، اکنون می‌دیدم شاعری بزرگ بار دیگر حال و هوای این تراژدی‌ها، قهرمانان تراژدی‌ها و هر نماد و نمود بر جا مانده از تراژدی‌ها را، این بار با نگاهی دیگر و با آوردن این همه به عرصه آکنون، در چشم و خیال من زنده می‌کند چنین شد که در نهایت به این وسوسه تن در دادم. شاید یک دلیل عمده این بود که در ایران کمتر کسی از اصل یونانی چیزی ترجمه کرده و می‌کند! باری، در طول چهار پنج سال اخیر هرگاه فرصت و حال مناسبی در خود می‌دیدم به سراغ کتاب سفریس می‌رفتم. و بدین گونه این مجموعه فراهم آمد.

ماخذ نخستین من گزیده‌ای از شعر سفریس بود که رکس وارنر، یکی از شایسته‌ترین مترجمان و منتقدان شعر معاصر یونان، که بعدها دوست نزدیک سفریس نیز شد، آن را ترجمه کرده بود.^۲

کم و بیش آنچه را وارنر برگزیده بود ترجمه کردم. اما چون کار به پایان آمد به این فکر افتادم که باید مجموعه کامل شعر سفریس را هم داشته باشم تا آنچه را خود ممکن است بپسندم و در گزیده وارنر نیامده، بر این مجموعه بیفزایم. پس مجموعه کامل شعر سفریس^۳ را به لطف خواهرم از انگلستان تهیه کردم و شعرهایی از آن را به این مجموعه افزودم. علاوه بر این شعرهایی را که از متن وارنر برگردانده بودم با این ترجمه دوم مقابله کردم. به طور کلی می‌توانم گفت که تفاوت‌های دو ترجمه بسیار اندک بود، با این همه در مواردی که تفاوت مهم و یا تأثیرگذار می‌نمود، آن را در پانویس آورده‌ام.

۱. در این اواخر آقای فریدون فریاد کتابی مفصل درباره شعر یونان منتشر کرده است و ترجمه ایشان از زبان یونانی است. م.

2. George Seferis, Poems, Translated by Rex Warner, Boston, 1967.

3. George Seferis, Complete Poems, Translated, Edited and Introduced by Edmund Keeley and Philip Sherard, Anvil Press Poetry, 1995.

درباره ترجمه بیش از این چیزی نمی‌توانم گفت. حاصل کار در دست خواننده است و اوست که داوری خواهد کرد. اما نکته‌ای که به گمان من گفتن دارد این است که، جدا از دلبستگی عاطفی، یکی از دلایل من برای ترجمه شعر سفریس این بود که با مطالعه و سپس ترجمه این شعر، از خود پرسیدم آیا پرداختن به اساطیر و تاریخ بدان گونه که در شعر سفریس می‌بینم تا چه حد در شعر معاصر جدی گرفته شده. آیا ما شاعری داریم که ذهن و زبانش این گونه درآمیخته با اساطیر، این سرچشمه لایزال اندیشه و خیال و این آینه تمام‌نمای هستی آدمی، باشد؟ آیا ما چنان که باید از این میراث گران‌قدر بهره برده‌ایم؟ در شعر گذشته، جدا از فردوسی بزرگ که بنای بخش عمده‌ای از کارش بر اسطوره نهاده بود، من بیش از هر شاعر دیگر حافظ را می‌شناسم که گاه چه آگاهانه از اسطوره برای بیان واقعیت معاصر خود، و نه صرفاً یادآوری یا بازگویی محض، سود جسته است. دیگران نیز مثل نظامی یا خاقانی، در برخی قصایدشان، از اساطیر بهره برده‌اند. اما در شعر معاصر، ما شاعری چون سفریس نداریم. هر چند که برخی از شاعران مان گاه و بی‌گاه اشاراتی به اساطیر داشته‌اند. پس، شاید ضروری بود که با شعر شگفت‌آور این شاعر آشنا بشویم.

پرداختن به اساطیر و تاریخ یونان گاه و گاه و دریافت شعر سفریس را بر خواننده دشوار می‌کند و من که مترجم باشم نیز گاه با دشواری‌هایی نه چندان گذرا یا اندک روبرو بوده‌ام. با این همه معتقدم شعر سفریس به خودی خود، بسیاری از دشواری‌ها را آسان می‌کند، تنها به این شرط که خواننده اهل تأمل باشد و کار خواندن را سرسری نگیرد. شعر سفریس در عین سرشار بودن از عاطفه‌ای عمیق و اغلب دردناک و اندوهگین، آکنده از تأمل و تفکر است، چرا که به گفته آنتونی زاخاراس:

از شاعران یونان هیچ‌کس چون جورج سفریس، برنده جایزه نوبل ۱۹۶۳، از تھی ژرف میان گذشته‌ای شکوهمند و اکنونی حقارت‌بار آگاه نیست. شاعر آنگاه که به واقعیت‌های یونان چشم

می‌دوزد و از آنچه می‌یابد در عذاب می‌شود، ناله سر می‌دهد که:

«هنوز هم به هر کجا که سفر می‌کنم یونان مرا رنجه می‌دارد.»^۱

برای شناخت زندگی و شعر سفریس بهتر آن دیدم که از متن *دایرةالمعارف* نویسندگان جهان استفاده کنم و این متن را دوست فرزانه‌ام خشایار دیهیمی که با گشاده‌دستی همیشگی‌اش همواره یار و یاور من و دیگر مترجمان بوده، در اختیارم نهاد. در مواردی که ضروری دیده‌ام پانوشتهایی بر متن افزوده‌ام. برخی از این پانوشته‌ها، بخصوص اشارات تاریخی را، از مجموعه کامل شعر سفریس برگرفته‌ام. مقدمه این مجموعه ما را تا حدی در شناخت جهان سفریس کمک می‌کند، اما خواننده برای آگاهی بیشتر می‌تواند به مقاله آنتونی زاخارئاس که در نشریه *مترجم* آمده، نیز رجوع کند.